



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱ دی ۱۳۹۷

مصادف با: ۱۴ ربیع الثانی ۱۴۴۰

موضوع جزئی: مسأله ۱۲- فرع چهارم: افضاء زوجه قبل از ۹ سالگی - جهت اول: معنای افضاء

جلسه: ۴۴

سال اول

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

فرع چهارم

«و إن أفضاها بأن جعل مسلکی البول و الحيض واحداً أو مسلکی الحيض و الغائط واحداً حرم علیه و طؤها أبداً لكن علی الأحوط فی الصورة الثانية، و علی أيّ حال لم تخرج عن زوجيته علی الأقوی، فيجرى علیها أحكامها من التوارث و حرمة الخامسة...»

امام در فرع چهارم به بیان معنای افضاء و سپس احکام چهارگانه مترتب بر افضاء، در صورتی که وطی با زوجه قبل اكمال تسع صورت بگیرد، پرداخته‌اند. در فرع اول جواز الوطی قبل اكمال التسع و در فرع دوم سایر استمتاعات از زوجه قبل التسع و در فرع سوم وطی من دون الافضاء مورد بررسی قرار گرفت.

این فرع مربوط به آنجایی است که شخص با زوجه خودش قبل اكمال التسع وطی کند و منجر به افضاء شود. امام (ره) ابتدائاً افضاء را معنا کرده‌اند و بعد چهار حکم و اثر که بر افضاء مترتب است، بیان کرده‌اند. لذا بحث در فرع چهارم، در پنج جهت دنبال خواهد شد.

جهت پنجم: فرع چهارم

جهت اول: جهت اول درباره معنای افضاء است که اساساً معنای افضاء چیست.

جهت دوم: در مورد بررسی حرمت ابدی وطی در صورت افضاء است.

جهت سوم: درباره جریان احکام زوجیت بعد الافضاء است. یعنی ضمن اینکه مشهور وطی ابدی را حرام می‌دانند، اما احکام زوجیت را کماکان بار می‌کنند.

جهت چهارم: درباره وجوب نفقه مادامت حیه، هر چند از او طلاق بگیرد.

جهت پنجم: پیرامون وجوب دیه افضاء و مقدار آن است.

جهت اول: معنای افضاء

در مورد معنای افضاء اختلاف بسیار است؛ هم بین فقهای شیعه و هم فقهای عامه. این اختلاف در بین اهل لغت نیز به نوعی وجود دارد. در کتاب قاموس و صحاح گفته‌اند افضاء عبارت است از «جعل مسلکيهما مسلکاً واحداً»، جعل و قرار دادن دو

مسلک در یک مسلک.^۱ طریحی در مجمع البحرین، این عبارت را تفسیر کرده و گفته منظور از دو مسلک، مسلک البول و الغائط است.^۲

اینجا یک بحثی در گرفته که آیا آنچه فقها گفته‌اند، متخذ از سخن لغویین است یا برعکس، یعنی آنچه اهل لغت گفته‌اند متخذ از سخن فقهاست. به هر حال این اختلاف، چه در بین فقها و چه در بین اهل لغت وجود دارد. نیازی هم نیست که این جهت را ریشه‌یابی کنیم؛ آنچه مهم است این است که اهل لغت گفته‌اند افضاء مأخوذ از فضاء است؛ فضاء یعنی یک مکان وسیع و گسترده. بر این اساس افضاء المرأة به معنای مطلق ایجاد فضای باز و واسع به سبب وطی دبراً کان أو قبلاً است. افضاء المرأة یعنی توسیع فضا به سبب وطی با مرأة، چه این وطی دبراً باشد چه قبلاً.

علی‌رغم اینکه در لغت چنین معنایی برای افضاء شده اما افضاء گویا یک اصطلاح خاص پیدا کرده است. اختلافی که بین فقها و لغویین در این زمینه وجود دارد، مربوط به این اصطلاح خاص افضاء است. اگر بخواهیم اقوالی که درباره افضاء و بیان معنای اصطلاحی آن ذکر شده را دسته‌بندی کنیم، چهار معنا برای افضاء می‌توان ذکر کرد که قائل نیز دارد. البته شاید بتوان پنج معنا هم گفت؛ ولی آن چیزی که قائل دارد چهار معناست.

قول اول

معنای اول این است: «صيرورة مسلک البول و الحيض واحداً»، اینکه مجرای بول و مجرای حیض، یکی شود. مجرای بول به مثانه متصل است؛ مجرای حیض به رحم وصل است. طبیعتاً مانع و حاجزی که بین مجرای بول و مجرای حیض وجود دارد، مانع و حاجز غلیظی نیست بلکه رقیق و نازک است، مخصوصاً در سنین پایین امکان اینکه این حاجز با وطی از بین برود و این دو مجرا و مسلک یکی شود، وجود دارد. البته برخی این نظر را رد کرده‌اند که خواهیم گفت.

از کسانی که به این قول ملتزم شده‌اند، یکی ابن ادریس در سرائر^۳، صاحب ایضاح^۴، صاحب تنقیح^۵، صاحب نهایة المرام^۶، است اینها تصریح کرده‌اند به اینکه منظور از افضاء صيرورة مسلک بول و حیض واحداً است. این قول، قول مشهور نیز هست. و برخی آن را به مشهور نسبت داده‌اند، از جمله محقق کرکی در جامع المقاصد^۷ و نیز در کشف اللثام^۸، اینها گفته‌اند مشهور در معنای افضاء این است. مرحوم شیخ طوسی هم در کتاب خلاف ادعای اجماع بر این معنا کرده است.^۹ یعنی شیخ طوسی گفته اساساً اجماعی است که معنای افضاء این است.

قول دوم

۱. صحاح، ج ۶، ص ۲۴۵۵؛ القاموس المحيط، ج ۴، ص ۵۴۲.

۲. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۳۱.

۳. سرائر، ج ۲، ص ۶۰۴.

۴. ایضاح، ج ۳، ص ۷۷.

۵. التنقیح الرائع، ج ۳، ص ۲۶.

۶. نهایة المرام، ج ۱، ص ۶۱.

۷. جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۳۱.

۸. کشف اللثام، ج ۷، ص ۱۹۳.

۹. الخلاف، ج ۴، ص ۳۹۵، مسأله ۱.

یکی شدن مسلک و مجرای حیض و مسلک و مجرای غائط است. برخی به این قول ملتزم شده‌اند، از جمله ابن سعید حلی در الجامع للشرایع^۱. همچنین این معنا را مرحوم علامه در قواعد احتمال داده، بلکه ظاهر قواعد نیز همین است.^۲ مرحوم علامه در تحریر هم فرموده این شهر القولین است.^۳ ولی صاحب جواهر می‌گوید منظور علامه این است که شهر عند العامة است، بلکه مشهور بین عامه این است و نه نزد ما. چون بسیاری از اصحاب ما تصریح کرده‌اند که بعید است این اتفاق بیفتد چون بین مسلک حیض و مسلک غائط، حاجز و مانع قوی تر است و لذا احتمال یکی شدن این دو مجرا بعید است.^۴ اما شیخ در مبسوط^۵ و ابن ادریس در سرائر^۶ گفته‌اند این غلط است. فرق است بین اینکه بگوییم این بعید است یا بگوییم این قول غلط است. دلیلی هم ذکر کرده‌اند که نظیر همان است که اشاره شد.

بنابراین علی‌رغم اینکه جمعی این احتمال و معنا را غلط یا وقوع آن را بعید می‌دانند، ملاحظه فرمودید که برخی به این قول قائل شده‌اند.

قول سوم

صیرورة مسلک البول و الحيض واحداً أو مسلک الحيض و الغائط واحداً. افضاء در قول سوم عبارت است از اینکه یا مجرای بول و مجرای حیض یکی شود یا مجرای حیض و غائط یکی شود. ملاحظه فرمودید که امام(ره) در متن تحریر این قول را اختیار کرده‌اند؛ عبارت تحریر این است: «و إن أفضاها بأن جعل مسلکی البول و الحيض واحداً أو مسلکی الحيض و الغائط واحداً».

برخی از فقها از جمله فاضل هندی هم به این نظر ملتزم شده است؛ وی در مورد یکی شدن مسلک حیض و غائط می‌گوید: «فإنه ایضاً ممکن داخل فی مفهوم لفظ الافضاء فانه الايصال»^۷. می‌گوید این ممکن است و به هر حال معنای افضاء شامل این هم می‌شود. بالاخره اگر هر دو به هم متصل شوند، این افضاء می‌شود.

شهید ثانی در مسالک^۸ و شرح لمعه^۹ هم بر این عقیده است که افضاء عبارت است از اتحاد یکی از این دو مسلک؛ یا مجرای بول و حیض یکی شود یا مجرای حیض و غائط یکی شود.

برخی دیگر نیز به این ملتزم شده‌اند، از جمله ابن العلامة در ایضاح الفوائد^{۱۰} و همچنین صاحب التنقیح^{۱۱}. فخر المحققین و صاحب تنقیح، معتقدند عنوان افضاء حقیقتاً هم بر اتحاد مسلک بول و حیض صدق می‌کند و هم بر اتحاد مسلک حیض و

^۱. الجامع للشرایع، ص ۴۶۲.

^۲. قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۳۳.

^۳. تحریر الاحکام، ج ۳، ص ۵۳۴ - ۵۳۵.

^۴. جواهر، ج ۲۹، ص ۴۱۹.

^۵. مبسوط، ج ۷، ص ۱۴۹ - ۱۵۰.

^۶. سرائر، ج ۳، ص ۳۹۳.

^۷. کشف اللام، ج ۷، ص ۱۹۳.

^۸. مسالک، ج ۷، ص ۶۸.

^۹. الروضة البهیة، ج ۱۰، ص ۲۳۹.

^{۱۰}. ایضاح الفوائد، ج ۴، ص ۷۰۳.

^{۱۱}. التنقیح الرائع، ج ۴، ص ۵۰۶.

غائط. این دو بزرگوار می گویند درست است که از حیث وقوع خارجی، اینکه مسلک حیض و غائط یکی شود، بعید است و عرفاً هم شاید افضاء را بر مورد اتحاد مسلک حیض و غائط اطلاق نکنند؛ ولی این منافات ندارد که حقیقتاً افضاء از نظر لغوی هم به جایی اطلاق شود که مجرای بول و حیض یکی شود و هم آنجا که مجرای حیض و غائط یکی شود. لذا هر دو حکم کرده‌اند به اینکه اگر هر یک از این دو اتفاق بیفتند، یعنی مسلک بول و حیض یکی شود یا مسلک حیض و غائط یکی شود، دیه در اینها واجب است. علت اینکه دیه را هم در هر دو واجب دانسته‌اند، این است که هر دو از مصادیق افضاء است و حقیقتاً به این دو صدق افضاء می‌شود.

پس مجموعاً قول سوم که امام(ره) آن را اختیار کرده، این است که یا مسلک حیض و غائط یکی شود یا مسلک بول و حیض یکی شود.

قول چهارم

«اتحاد مسلکی البول و الغائط». مجرای بول و مجرای غائط، یکی شود. از جمله کسانی که چه بسا تمایل به این نظر داشته باشد، صاحب نافع است؛ چون فاضل آبی در کشف الرموز عبارت نافع را بر این معنا حمل کرده است.^۱ صاحب مجمع البحرین نیز ملاحظه فرمودید که در توضیح عبارت برخی ارباب لغت همین معنا را ذکر کرد؛ عبارت این بود که (افضاء عبارت است از «جعل مسلکيهما مسلکاً واحداً»). طریحی در مجمع البحرین اینطور گفت: «یعنی مسلک البول و الغائط». ایشان افضاء را اینطور معنا کرده است.

لازمه این قول آن است که جمیع مسالک ثلاثه یکی شود؛ یعنی اگر بخواهد مجرای بول با مجرای غائط متحد شود از آنجا که مجرای حیض وسط این دو قرار گرفته، قهراً لازمه اتحاد مجرای بول و مجرای غائط، این است که با مجرای حیض نیز اتحاد برقرار شود. الافضاء یتحقق برفع الحاجزین معاً؛ به اینکه دو حاجر و دو مانع برداشته شود؛ و الا اگر صرفاً یک مانع برداشته شود، اینجا اتحاد مسلک بول و غائط پیش نمی‌آید.

پس اتحاد مسلکی البول و الغائط، ملازم است با اتحاد المسالک الثلاثة. ظاهراً دو مجرا را ذکر کرده ولی لازمه قهری‌اش آن است که سه مجرا با هم یکی شوند. این از اموری است که به نظر می‌رسد تحقق آن بعید است. وقتی مجرای حیض و مجرای غائط به زعم بعضی یکی شدنشان بعید باشد، این ابعاد از آن است که سه مجرا یکی شود.

توجیهات صاحب جواهر:

این بُعد باعث شده که صاحب جواهر توجیهاتی برای آن ذکر کند. صاحب جواهر سه توجیه برای این قول ذکر کرده است. توجیه اول:

حاجز بین دو مسلک و دو مجرا از مجاری سه‌گانه برداشته شود. یعنی مثلاً از این سه مجرا، هر یک از این حاجزها و موانع برداشته شد و از بین رفت، افضاء محقق می‌شود؛ حالا می‌خواهد حاجز بین مجرای بول و مجرای حیض باشد، یا حاجز بین مجرای حیض و مجرای غائط باشد. پس احتمال دارد منظور قائلین به قول چهارم از اتحاد مسلکی البول و الغائط، این باشد؛ یعنی رفع الحاجز بین المسلکین من المسالک الثلاثة. اگر این معنا را برای افضاء ذکر کنیم، این به قول سوم برمی‌گردد.

^۱. کشف الرموز، ج ۲، ص ۶۶۱.

توجیه دوم: منظور از اتحاد مسلکی البول و الغائط، یعنی اتحاد مسلکی البول و الحيض؛ به جهت اینکه آن عادتاً بعید است. اگر این معنا و این توجیه را ذکر کنیم، فیرجع الی القول الاول.

سؤال:

استاد: اینکه می گویند مسلک بول و غائط، در واقع غیر بول است و منظور همان حیض است. می گویند چون عادتاً وقوع آن قابل قبول نیست و به تعبیر برخی غلط است و اصلاً این چیزی نیست که به سادگی اتفاق بیفتد، لذا بعید است که منظور اینها این باشد. یحتمل منظور همان اتحاد مسلک البول و الحيض باشد.

توجیه سوم: منظور از اتحاد مسلکی البول و الغائط، اتحاد المسلك القبل و الدبر است؛ یعنی منظور همان یکی شدن مجرای حیض و مجرای غائط است. در این صورت برمی گردد به معنای دوم^۱.

ملاحظه فرمودید که قول چهارم با پذیرش این توجیهات، یا به قول اول برمی گردد یا به قول دوم یا به قول سوم. نتیجه: اگر این توجیهات صاحب جواهر را بپذیریم، قهراً نتیجه آن است که اینجا سه قول بیشتر نداریم. اگر این توجیهات صاحب جواهر را نپذیریم، اینجا چهار قول می شود. لذا اینکه یک قول پنجم در اینجا ذکر کنیم که بگوییم قول پنجمی هم هست و آن هم اتحاد جميع المسالك الثلاثة است، این دیگر قابل قبول نیست. یعنی اتحاد جميع مسالك ثلاثة قائل ندارد و کسانی هم که گفته اند که لازمه قول چهارم اتحاد جميع المسالك الثلاثة است. لذا اینکه بعضی از بزرگان اینجا گفته اند پنج قول در مسأله وجود دارد، به نظر ما این تمام نیست.

رد یک نظر

آقای مکارم گفته اند^۲ پنج قول اینجا وجود دارد. گفته اند قول پنجم اتحاد جميع المسالك الثلاثة و قائل هم دارد؛ در حالی که همه اقوال را ملاحظه فرمودید که اینجا چهار قول بیشتر نیست و اگر توجیهات صاحب جواهر را هم بپذیریم، قول چهارم نیز به یکی از آن سه قول برمی گردد. لذا باید بگوییم یا سه قول یا چهار قول است.

ملاحظه فرمودید که امام (ره) در این بین قول سوم را اختیار کرده اند؛ لذا باید ببینیم حق در مسأله چیست و بالاخره افضاء به چه معناست. اینکه من عرض کردم قول پنجم یعنی اتحاد جميع المسالك الثلاثة، مطرح نیست، چون اگر این توجیهات را بپذیریم و این را رأساً بخواهیم یک قول مستقل حساب کنیم، این معنایش آن است که اگر دو تا از این مسالك سه گانه یکی شوند، پس آنجا افضاء نیست. در حالی که این قطعاً خلاف ادله و خلاف فتاوا و نص در این مقام است. عمده این است که ما بعد از بیان این اقوال، ببینیم حق در این مقام چیست و ببینیم از این چهار قول، کدام قول حق است.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۴۲۰.

۲. انوار الفقاهه، ج ۱، ص ۴۴.